

بررسی مقایسه‌ای الگوی پوشش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی مطالعه موردی شهر بافت

آزیتا سلاجقه^۱

نعمت‌الله موسی پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۳/۰۷

چکیده

پوشش از جمله موضوعات حیات اجتماعی است که از گذشته تاکنون و در جوامع مختلف مورد عنایت بوده و درباره عوامل و زمینه‌های بروز آن تأمل شده است. در این تحقیق، الگوی پوشش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی (مورد شهر بافت) به تناسب محیط - موقعیت‌های مختلف ظهور آن بررسی شده است. دانشجویان مورد بررسی ۱۸۰ نفر بودند که ۳۸/۹ درصد در دانشگاه دولتی، ۳۸/۳ درصد در دانشگاه پیام نور و ۲۲/۸ درصد در دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می‌کردند. این گروه با پاسخگویی به یک پرسشنامه، داده‌های لازم را ارائه کردند و تحلیل داده‌ها نشان داد: در دانشگاه‌های مورد بررسی اقدام به پوشش ناهمنوا دارای فراوانی متفاوتی بوده و استفاده از الگوی پوشش ناهمنوا با «محیط» و «موقعیت»، رابطه مثبت معناداری با بروز رفتار داشته است؛ یعنی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بیش از دانشجویان دانشگاه پیام نور و دانشجویان دانشگاه پیام نور بیش از دانشجویان دانشگاه دولتی شهر بافت هنگام حضور در بازار برای خرید و یا حضور در نزد دوستان برای مهمانی از پوشش ناهمنوا استفاده کرده‌اند؛ اما هر سه گروه در دانشگاه به طور مشابه دارای پوشش هم‌نوا بوده‌اند. در مجموع می‌توان گفت پوشش ناهمنوای دانشجویان

azita_sal@yahoo.com

۱. مربی دانشگاه پیام نور واحد بردسیر

۲. دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ مأمور در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

n_mosapour@yahoo.com

به تناسب نوع رابطه‌ای که آنها با محیط رفتار دارند و به تناسب انتظاری که از محیط در آنها شکل می‌گیرد، تغییر می‌کند. با وجود این، حتی رفتار پوششیِ هم‌نوی دانشجویان دانشگاه دولتی نیز با این پرسش مواجه است که تا چه میزان درونی شده است؟

واژه‌های کلیدی: الگوی پوشش، دانشجو، دانشگاه، محیط رفتار، موقعیت رفتار، دوگانگی رفتار، شهر بافت.

مقدمه

مسئله حجاب موضوعی خاص و مربوط به یک جامعه معین یا در یک گوشه از جهان نبوده و نیست، بلکه مسئله‌ای جهانی بوده و آشکار است که با مشخصات متناسب با جوامع مختلف و در سیر تاریخی آنها قرار دارد (استاد ملک، ۱۳۶۷: ۱۷۹). رد پای حجاب در جامعه ایرانی از زمان‌های بسیار دور و پیش از ورود اسلام به این سرزمین دیده می‌شود؛ هرچند در آن زمان اصطلاح حجاب به معنای پوشش اسلامی مطرح نبود ولی به معنای پوشش خاص تعریف شده برای زنان وجود داشت. کنت گوبینیو^۱ معتقد است حجاب دوره ساسانی در دوره اسلام و در میان ایرانیان باقی ماند (مالمیر، ۱۳۸۷: ۹۱). به‌هرحال، پیش از اسلام حجاب در ایران و جهان وجود داشته است (جودی، ۱۳۸۸). با مطالعه تاریخچه پوشش زنان ایرانی از آغاز تاکنون دیده می‌شود که بیشترین تغییر لباس زنان از اواخر قرن نوزدهم و با تثبیت سلسله قاجاریه آغاز شده است. توجه به مَد اروپایی از میانه‌های حکومت ناصرالدین شاه آغاز شد. پس از انقلاب مشروطه و تا سال ۱۳۱۴، تحولات مهمی از نظر سیاسی و اجتماعی نظیر وضعیت زنان و اهمیت نقش آنها در خارج از خانه موجب شد که وضعیت پوشش زنان تحت تأثیر قرار گیرد؛ از سوی دیگر، اهمیت لباس و کالاهای خارجی، به‌ویژه با آمدن خیاطان و طراحان فرانسوی به تهران، سبب شد که در ایران قشر جدیدی با توجه به آنچه در اروپا می‌گذشت، شکل بگیرد. بدین ترتیب، تحول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دگرگونی رفتار یک طبقه مرفه متمایل به تمدن غرب و ارزش‌های غربی کمک کرد که همین موضوع سبب ایجاد پراکندگی در پوشش زنان شد. این فرایند پس از کودتای ۱۲۹۹، شدت بیشتری به خود گرفت (استاد ملک، ۱۳۶۷: ۶۱-۶۰).

در سال ۱۳۱۴، اتفاق مهمی در ایران رخ داد که پیامدهای منفی بسیاری بر جای گذاشت. حکومت پهلوی در جریان مدرنیزه کردن کشور، فرمان تاریخی «کشف حجاب» را در ۱۷ دی





۱۳۱۴ صادر کرد. بر اساس این دستور حکومتی، زنان باید با پوششی شبیه پوشش زنان غربی وارد محیط‌های عمومی (و رسمی) جامعه می‌شدند. هرچند اقلیتی از زنان از این حرکت استقبال کردند، ولی اکثریت جامعه با توسل به اعتقادات مذهبی و حمایت مراجع تقلید و روحانیون، در مقابل این حرکت مقاومت کردند (مالمیر، ۱۳۸۷: ۹۲). این فرمان که شاید بتوان آن را در نوع خود اقدام بی‌مانند در تاریخ این کشور دانست، در زمینه پوشش در ایران بسیار مؤثر محسوب می‌شود و امروزه نیز جامعه با آثار آن سروکار دارد.

پس از روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، گروهی از زنان که از فشار حکومت پهلوی اول سخت به ستوه آمده بودند در مخالفت با کشف حجاب، در معابر عمومی با چادر ظاهر شدند و مأموران حکومتی هم با وجود قانون کشف حجاب چندان که باید با آنان مقابله نکردند. در مهرماه ۱۳۲۰ آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی طی نامه‌ای شدیدالحن به نخست وزیر وقت، خواهان کم کردن فشار بر زنان محجبه شد. در سال ۱۳۲۳ آیت‌الله سید حسین طباطبائی قمی از مراجع وقت، نامه‌ای به شاه جدید نوشت و از وی خواست کشف حجاب اجباری را لغا کند. سرانجام به واسطه مخالفت علما با این قانون و مقاومت مردم علیه آن، قانون کشف حجاب لغو شد، اما این لغو به معنای کنار گذاشتن محتوای قانون نبود، بلکه تغییری در تاکتیک محسوب می‌شد و کشف حجاب مبتنی بر زور به کشف حجاب مبتنی بر تبلیغات و کار فرهنگی روی آورد (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹: ۱۶۳). در واقع، پهلوی دوم با برنامه‌ای حساب‌شده و از طریق رسانه‌های گروهی، مراکز آموزشی، ادارات و سینماها تلاش کرد تا زنان را به بی‌حجابی و برهنگی تشویق کند. سال ۱۳۵۵ اوج سیاست‌های ضد حجاب پهلوی دوم به شمار می‌رود. در این سال رسماً دولت طرحی را در زمینه کشف حجاب تدوین کرد و بلافاصله بخشنامه آن را برای اجرا به ادارات مربوطه ارسال کرد. مبارزه علیه چادر در اکثر جملات این طرح وجود داشت و رژیم تلاش می‌کرد تا از طریق استفاده ابزاری از روحانیت، مفهوم چادر را از مفهوم حجاب تفکیک کند. این دستورالعمل نه تنها نتوانست حجاب را در جامعه از بین ببرد، بلکه موجب شد تا صف‌آرایی در مقابل دولت آشکارتر و محکمتر از گذشته خود را نشان دهد. هرچه از اجرای برنامه‌های ضد حجاب محمدرضا شاه می‌گذشت صف‌بندی موافقان و مخالفان آشکارتر می‌شد تا جایی که در آخرین سال‌های حکومت شاه، در ظاهر و رفتار زنان در شهرهای ایران، به‌ویژه در تهران، ناهمگونی شدیدی پدید آمد. برای مثال، حجاب در محیط دانشگاهی عاملی بر حفظ اصالت‌ها و مقاومت در برابر فرهنگ غرب شمرده می‌شد و چون



استفاده از چادر در محیط دانشگاه ممنوع بود برخی از دانشجویان چادری به جلوی دانشگاه که می‌رسیدند چادر را در کیف‌دستی خود مخفی می‌کردند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۷: ۶۶-۵۶). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «پوشش بانوان» همواره یکی از موضوع‌های بحث‌برانگیز جامعه بوده و این بحث در دوره‌های مختلف تاریخ انقلاب اسلامی، فراز و فرودهایی داشته است. در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس، به دلیل حاکمیت شرایط ویژه فرهنگی و اجتماعی در مورد حدود پوشش اسلامی، نظراتی وجود داشت ولی جامعه، کمتر با معضل بدحجابی روبه‌رو بود. در دهه دوم انقلاب، به دلایل مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، نابهنجاری‌های اجتماعی از جمله پدیده بدحجابی در جامعه ظهور بیشتری یافت و در دهه سوم، این روند با سیری رو به افزایش، ادامه پیدا کرد. واقعیت این است که در سه دهه گذشته، با وجود فراز و نشیب‌ها و کاستی‌ها، پایبندی به پوشش اسلامی در مقایسه با وضع پیشین آن بسی بیشتر و عمیق‌تر بوده و این امر در مراکز آموزشی به‌ویژه دانشگاه‌های کشور مشهودتر است؛ با این حال، پیداست میان «واقعیت موجود» تا «حقیقت مطلوب» فاصله کم نیست. در تحلیل وضعیت پوشش علاوه بر آنکه باید از تقلیل‌گرایی اجتناب و تمام علل و عوامل را تا حد امکان واکاوی کرد، لازم است سهم تأثیرگذاری هریک از عوامل نیز مشخص شود. در اینجا تحقیقات میدانی کارشناسانه می‌تواند تا اندازه زیادی به کار آید. وضعیت پوشش در سه دهه اخیر نشان می‌دهد از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ وضعیت پوشش بانوان روندی رو به رشد داشته است. تحلیل همین پدیده می‌تواند در بررسی علل بدپوشی در سال‌های بعد روشن‌گر باشد. با وجود آنکه از زمان شکل‌گیری انقلاب تا زمان استقرار نظام اسلامی، وجهه همت و مسئله اصلی جامعه اسلامی موضوع حجاب نبود، تمایل رو به رشد زنان به حجاب چگونه توجیه می‌شود؟ احتمالاً به دلیل آنکه آرمان جامعه یا بخش‌های تأثیرگذار آن، نابودی رژیم پهلوی و تشکیل جمهوری اسلامی بود و آنچه با بنیاد خواسته‌های رژیم پهلوی در فهم عمومی مردم پیوند خورده بود، مسئله کشف حجاب بود، لذا عنایت به آن نوعی مبارزه محسوب می‌شد و گروه‌های مختلف از آن استقبال می‌کردند. این احساس عمومی و انقلابی تا ماه‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریان داشت و البته از سال ۱۳۵۸ به بعد توصیه رهبران مذهبی به حجاب و لزوم تعیین ضوابط قانونی برای مقابله با بی‌حجابی و انتظار جامعه مذهبی برای اصلاح وضعیت موجود، در عمومی شدن حجاب در ظاهر و شروع رفتارهای مغایر در پنهان، نقش داشت.

از سال ۱۳۵۹ با آغاز جنگ تحمیلی چند مسئله ظهور یافت: از یک سو آوارگی بسیاری از



خانواده‌ها و مهاجرت آنان به حاشیه شهرهای دیگر، افزایش نارضایتی از پیامدهای جنگ (از جمله گرانی)، حضور بسیاری از جوانان مذهبی در جبهه‌ها و کاهش اقتدار آنان در شهرها و عطف توجه مدیران به موضوع جنگ و فقدان برنامه‌ریزی در زمینه گسترش فرهنگ عفاف؛ و از سوی دیگر گسترش برنامه‌های فرهنگی جهان غرب علیه انقلاب اسلامی. همچنین، جنگ توانسته بود انسجام اجتماعی و حس ایثار را تقویت کند و توجه به مسئله اصلی (جنگ) سبب می‌شد بسیاری مسائل از جمله موضوع آزادی‌های اجتماعی و آزادی پوشش، برابری حقوق زن و مرد و مسائلی از این دست در حاشیه قرار گرفته و یا اصلاً مسئله اقلیت راحت طلب تلقی شود نه مسئله عموم مردم؛ از این رو مسئله پوشش بانوان در طول جنگ هیچ‌گاه به عنوان مشکلی حاد مطرح نشده بود؛ هرچند در اندیشه عمل‌کنندگان آن یک موضوع مهم محسوب می‌شده است. با پایان یافتن جنگ تحمیلی، برخی از ارزش‌های دوران دفاع مقدس از جمله حس ایثارگری، انسجام اجتماعی، قناعت و معنویت‌گرایی با افول مواجه شد و از سوی دیگر همت مدیران نظام به بازسازی کشور بر اساس برنامه‌های توسعه معطوف گردید. گرچه بازسازی کشور و تدوین برنامه برای ترسیم افق‌ها، تدوین سیاست‌ها و هماهنگی برنامه‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و هست اما اتخاذ رویکرد توسعه‌ای به این معنا بود که الگوهای توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غربی البته با اصلاحاتی جزئی، مبنای تحولات قرار گیرد (فلاح، ۱۳۸۸). تعارض میان آرمان‌های توسعه و آرمان‌های نظام اسلامی، ناهمگونی جهت‌گیری‌ها و شاخص‌های نوشته و نانوشته توسعه با جهت‌گیری‌ها و شاخص‌های رشد در الگوی دینی که از ابتدا مورد توجه برخی دانشوران قرار گرفته بود، از دید بسیاری از مسئولان پنهان ماند. در نتیجه شکاف تبلیغاتی و نابرابری‌های اجتماعی نمایان‌تر شد، ثروت و قدرت اقتصادی و اجتماعی به ارزش عمومی تبدیل شد، رقابت برای احراز موقعیت‌های جدید، میل به تجمل را افزایش داد و ارزش‌های معنوی تحت‌الشعاع قرار گرفت. در این وضعیت تمایل به خودآرایی و انتخاب پوشش‌های متنوع فزونی گرفت. این تغییرات پنهان در نگرش و باورها، کم‌کم شکل گرفت و ظهور یافت و نشانه‌های آن را تحقیقات انجام‌شده در دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد. برای نمونه، دادگران (۱۳۶۹) در پژوهشی با عنوان «حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان در زمینه شناخت الگوی مناسب اسلام برای زن امروز» به بررسی دو گروه از زنان که برخی از آنان در قبال حجاب و مسائل شرعی حساسیت بیشتر و گروهی دیگر حساسیت کمتری داشتند، پرداخت و به این نتیجه رسید که میان نگرش این دو گروه درباره لزوم و چگونگی رعایت حجاب، در بیشتر

موارد، اختلاف نظر وجود دارد. گروه نخست، از آزادی زنان حتی با حفظ موازین شرعی در انتخاب نوع پوشش خود تا استفاده از رنگ‌های شاد و روسری‌های نقش‌دار طرفداری نمی‌کرد و معتقد بودند استفاده از چادر یا مقنعه در محل کار دست و پاگیر نیست. در مقابل، گروه دوم بیشتر بر این عقیده بودند که استفاده از لباس‌های تیره، سبب افسردگی فرد می‌شود و رنگ سیاه برای پوشش خانم‌ها مناسب نیست. آنها استفاده از مقنعه را در محل کار بر چادر ترجیح می‌دادند و بر این باور بودند که لازم نیست خانم‌ها برای پوشش خود در مجامع عمومی، حتماً از پوشش چادر ساده و بدون نقش و یکسان استفاده کنند.

همچنین، شمس (۱۳۸۶) تأثیر عوامل اجتماعی را بر شیوه پوشش دختران دبیرستانی شهر تهران بررسی کرد و نشان داد نوع پوشش مادر و خواهران با نوع پوشش دختران همبستگی دارد. همچنین، وی درباره تأثیر محیط اجتماعی بر رفتار پوششی فرد نشان داد: هرچه بر تعداد بوتیک‌های موجود در محله و اطراف خانه دختران اضافه می‌شود، از تعداد چادری‌ها و استفاده‌کنندگان از پوشاک ساده کم می‌شود. *رستگار خالد* (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نگرش دانشجویان دختر به حجاب» به بررسی حجاب در میان دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد تهران پرداخت و نشان داد نگرش دختران به حجاب اسلامی به‌طور کلی مثبت است. وی گزارش می‌دهد که میزان نگرش مثبت دختران با پایگاه اجتماعی خانواده، مذهبی بودن والدین و نوع پوشش‌های دوستان و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و کالاهای فرهنگی و میزان پیروی از گروه‌های مرجع، به لحاظ آماری رابطه معناداری داشته است. یک نظرسنجی در تهران (۹ بهمن ۱۳۸۵) درباره «علت انتخاب پوشش‌های نامناسب توسط برخی افراد» نشان داد که ۲۳ درصد تبعیت از مد روز، ۲۰ درصد زیبا و متنوع بودن لباس‌های جدید، ۳۹ درصد جلب توجه و ۱۲ درصد اظهار مخالفت با برخی سیاست‌های کشور را دلیل انتخاب پوشش‌های نامناسب خود دانسته‌اند. در نظرسنجی دیگری که در سال ۱۳۸۸ در سطح شهر تهران بزرگ انجام گرفت، چهار پرسش درباره اهمیت مسئله حجاب در سلامت جامعه، ارتباط پوشش مناسب افراد با امنیت اخلاق جامعه، نوع پوشش به عنوان شاخص انتخاب همسر و علل پوشش نامناسب از شهروندان پرسیده شد. بر اساس نتایج، ۷۶ درصد پاسخگویان پوشش مناسب را در ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه مؤثر دانسته‌اند، ۲۱/۸ درصد پاسخگویان نوع پوشش را شاخص انتخاب همسر دانسته‌اند، ۲۱/۶ درصد نیز درباره این پرسش نظری نداشتند و ۵۵ درصد با این موضوع مخالف بودند.



در سال‌های حیات جمهوری اسلامی، علاوه بر گرایش مذهبی - فرهنگی مردم به پوشش اسلامی، تلاش‌های سازمان‌یافته تربیتی نیز برای رعایت پوشش مورد نظر نظام سیاسی به عمل آمده است. اینکه این تلاش‌ها تا چه اندازه با توفیق همراه شده، موضوعی است که نیازمند بررسی است؛ اما اینکه دانشگاه‌های متعدد با سازوکارهای متفاوت در شهرهای کوچک و بزرگ شکل گرفته و به دلیل اهمیت فرهنگی علم، استادان و دانشجویان در آن شهرها دارای حرمت اجتماعی محسوب می‌شوند، یک واقعیت است. بر اساس این واقعیت‌ها می‌توان از وضعیت پوشش مردم در تعامل با این پدیده (دانشگاه) پرسش کرد. همچنین، می‌توان از وضعیت پوشش گروه‌های مختلف اجتماعی پرسید و به طور خاص‌تر می‌توان با عنایت به گسترش کمی دانشگاه‌ها و آثار الگویی دانشجویان برای سایر گروه‌های اجتماعی، به‌ویژه در شهرهای کوچک، این پرسش را مطرح کرد که: الگوی پوشش دانشجویان چگونه است؟

بیان مسئله و چهارچوب نظری بررسی

در دو قرن گذشته الگوی پوشش از منظر جامعه‌شناسی نشانه موقعیت اجتماعی بوده اما در قرن حاضر آنچه پوشیده می‌شود به معنای نوعی ایده بدن‌محوری و کسب هویت است. مُد به مثابه یکی از روندهای تغییر در جامعه، باعث شده در شیوه زندگی و طرز تلقی گروه‌های مختلف سنی، به‌ویژه جوانان، تغییر ایجاد شود. جوانان علاوه بر تابعیت از بازار توده‌ای در زمینه مصرف کالا، در ترکیب و ابداع سبک‌های نو در بازار مصرفی بیشترین تغییرات و تأثیرات را بر جا می‌گذارند. آنها قادرند نمادهای رایج و قالبی را شکسته و ایده‌های نمادین خود را بر اساس معنای متفاوت (همگرایی یا واگرایی با فرهنگ جامعه) به‌کار گیرند. این معانی با توجه به نوع طبقه اجتماعی و اقتصادی که جوانان در آن قرار دارند می‌تواند به دو شیوه نمایشی (دیدنی) و کلامی شکل بگیرد. در بُعد نمایشی، جوانان هم علائق شخصی خود را در الگوی پوشش به کار می‌برند و هم با پیوستن به گروه‌های همسال به پردازش و بازتولید نمادها و الگوها می‌پردازند. اما در حالتی که کالا، محوریت دارد نوع مارک و میزان هزینه‌ای که پرداخت می‌شود، مهم است. در بُعد نمایشی، کنشی که مد نظر آنهاست ارسال پیام ویژه‌ای به ساختار کلی جامعه است. این پیام می‌تواند با توجه به ساختار سیاسی، اجتماعی و مذهبی هر جامعه، تعبیرهای گوناگونی داشته باشد.

رفتار پوششی در عین حال نشانه‌ای از باورها و اعتقادات شخصی نیز محسوب می‌شود و از این بُعد بیشتر مورد عنایت نظام‌های تربیتی و سیاسی قرار می‌گیرد. در نظام‌های تربیتی





و سیاسی دارای هنجار پوششی، الگوهای خاصی از پوشش به عنوان پوشش هنجار مطرح می‌شود و به شکل‌های مختلف از اعمال آنها حمایت به عمل می‌آید و تحقق آن نشانه‌ای از توفیق شمرده می‌شود. نظام تربیتی - سیاسی ایران از جمله این نظام‌هاست؛ بنابراین، میزان ظهور رفتار پوششی هم‌نوا با هنجارهای آن در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، علاوه بر آنکه وضعیت مطلوب را نشان می‌دهد، نشانه‌ای از توفیقات این نظام در عرصه عمل است. اگر شیوه پوشش در بین برخی از گروه‌ها، مغایر با معیارها و هنجارهای رسمی و پذیرفته شده باشد، می‌توان گفت مشکلی اجتماعی ظهور یافته است؛ از این رو استفاده از واژه ناهم‌نوا در الگوی پوشش به این معنی است که این شیوه رفتاری توسط تعداد کثیری از افراد در جامعه یا نظام رسمی تربیتی - سیاسی (فرهنگ مسلط)، به عنوان رفتاری ضد اجتماعی تلقی می‌شود. در حقیقت، متن و زمینه‌های فرهنگی متنوع در جوامع، باعث می‌شود الگوی پوشش به عنوان رفتار اجتماعی، عادی (هم‌نوا) یا مسئله‌ساز (ناهم‌نوا) مطرح شود؛ یعنی وجود ارزش‌ها و نهادهایی که به این رفتار معنی می‌بخشند و راه‌های مناسب رعایت آن را بیان می‌کنند، نمایانگر هم‌نوا یا ناهم‌نوا بودن آن در سطح کلان و گسیختگی آن - به معنای ادغام الگوهای متفاوت و متکثر با به‌کارگیری کنشی هدفمند - در سطح خرد می‌شود. نحوه برخورد با این رفتار نیز تابع میزان و شدت به‌کارگیری مذهب، قانون و سنت در جامعه مورد نظر است.

در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولتمردان نظام با هدف تربیت انسان آرمانی (مسلمان، متعهد و وفادار به هنجارهای رسمی و گفتمان‌های مسلط) برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کردند؛ بنابراین، دستگاه فرهنگی جامعه با استفاده از ابزارهای گوناگون و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم سعی در کنترل عرصه عمومی و خصوصی جامعه بر اساس معیارهای سنتی و اسلامی و از جمله: «اسلامی کردن روابط و مناسبات زن و مرد، اجرای سیاست تفکیک جنسی زن و مرد در نهادهای آموزشی (به جز دانشگاه‌ها)، ورزشی، تفریحی و در وسایل حمل و نقل عمومی (اتوبوس‌های شهری) و همچنین احیای هنجارهای اسلامی در مورد سبک پوشش جوانان» (شهابی، ۱۳۸۲) پرداختند. این تلاش رسمی و مبتنی بر قدرت به منظور تغییر در الگوهای پیشین (قبل از انقلاب) و الگوسازی در عرصه‌های عمومی، نوعی از رفتار را در پی داشته که از طریق جامعه‌پذیری از بالا ظهور می‌یابد و از حیث استحکام دارای تفاوت‌های جدی با جامعه‌پذیری از پایین است. علاوه بر این، آشنایی و ارتباط جامعه ایرانی با اجزای مدرنیته از جمله رسانه‌های جمعی و فناوری اطلاعات، باعث شده که افراد با سبک‌های زندگی در سایر ممالک آشنا شده و در استفاده از آن با توجه به نوع فرهنگ خود تغییراتی

ایجاد کنند؛ در نتیجه در این نوع چالش، تعارض میان کردارهای عمومی از یک سو و هنجارها و ایدئولوژی رسمی از سوی دیگر مشاهده می‌شود.

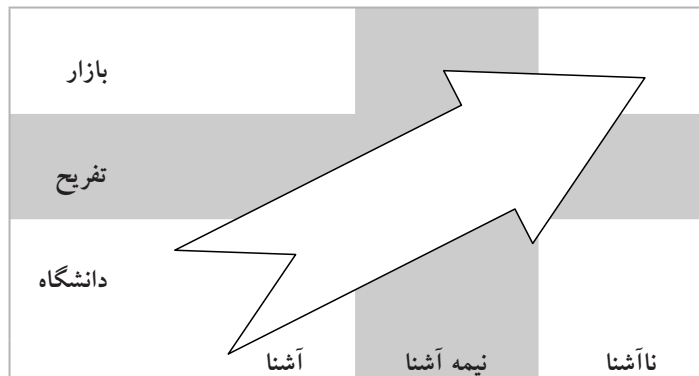
بدین ترتیب تقابل زندگی مدرن و سنتی در ایران که نتیجه تلاقی سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است چالش‌هایی را در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه حوزه جوانان، ایجاد کرده است. این امر باعث شده در شیوه اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری آنها جابه‌جایی به وجود آید و فضای جدیدی را به‌ویژه برای جوانان نسل سوم و چهارم انقلاب پدید آورد. این گروه را به طور گسترده می‌توان در دانشگاه‌ها مشاهده کرد. نمودهای این رخداد فرهنگی اجتماعی را می‌توان در کسب هویت جوانان دانشجو از طریق گرایش به مُد و تغییر در سبک پوشش، استفاده از انواع موسیقی، شکل‌گیری زبان خاص و در کل بروز شیوه‌ها، اندیشه‌ها و سبک‌های متفاوت زندگی (در مقایسه با آنچه والدینشان بدان پایبند هستند) مشاهده کرد. این تفاوت‌ها و شیوه‌ها در میان قشر جوان جامعه، به‌ویژه دانشجویان، نمود بیشتری دارد. این نمود و شفافیت رفتاری حکایت از آن دارد که سبک واحد زندگی، در این مورد پوشش، در میان جوانان رنگ باخته و نه تنها آنان رفتار پوششی خود را به تناسب موقعیت‌های اجتماعی تغییر می‌دهند که گاه برای این تنوع رفتاری و نبود وحدت‌رویه، توجیحات نظری نیز مطرح می‌کنند.

آنچه را می‌توان از این بحث مبنای بررسی حاضر قرار داد، متمایز کردن محیط‌های حضور از حیث زمینه‌سازی بروز رفتار پوششی دانشجویان است. بدین منظور، ابتدا دو متغیر «آزادی» و «آشنایی» برای تدارک بنیان نظری بررسی موضوع پوشش شناسایی شد که اولی مربوط به محیط (مکان) و دومی مربوط به موقعیت است. دو جنبه مهم متغیر آزادی با عنوان «میزان آزادی عمل» و «میزان تهدید منافع» برای ظهور نوع پوشش در محیط اجتماعی که به تناسب محیط‌های حضور متفاوت است، معرفی شد. در بررسی متغیر آشنایی، محیط‌های فعالیت مبنای بررسی واقع شدند. به نظر می‌رسد این دو متغیر در ارتباط با هم به رفتار پوششی دانشجویان شکل می‌دهند. پس می‌توان گفت در سطح نخست، موضوع آزادی تهدید به صورت یک متغیر ظهور می‌یابد. بیشترین «آزادی عمل» در محیط‌هایی دیده می‌شود که «ناشناس بودن» به حداکثر می‌رسد و البته در این‌گونه محیط‌ها احساس تهدید منافع نیز به حداقل می‌رسد. در مقابل، کمترین آزادی عمل مربوط به محیط‌هایی است که دانشجو در آن محیط «شناخته‌شده» است و به همین دلیل احساس تهدید منافع او نیز به حداکثر می‌رسد. در سطح دوم، متغیر کنترل مشابهت برای تعیین و تبیین رفتار پوششی مورد استفاده قرار گرفته است. منظور از این متغیر آن است که تا چه میزان «دیگری» در صدد است از طریق کنترل، رفتار شخص را به





وضع مورد نظر خود نزدیک کند. در این بررسی، دانشگاه به عنوان محیطی که دانشجوی در آن «شناخته شده» محسوب می شود و بازار به عنوان محیطی که دانشجوی در آن «ناشناخته» است؛ بنابراین، در این دو محیط، به ترتیب، تهدید منافع در حداکثر و حداقل قرار دارد. از حیث کنترل برای مشابه شدن دیگری با وضع تعریف شده، دانشگاه در پی اعمال نظر حداکثری و بازار در پی اعمال نظر حداقلی است. در میانه این دو محیط، مهمانی قرار می گیرد که دانشجوی در آن «شناخته شده» است اما به دلیل مشابهت رفتار با دیگری، احساس تهدید منافع و الزام به رعایت موازین خاص، به حداقل می رسد. آنچه در این تعبیر مطرح شد، در شکل شماره ۱ به تصویر کشیده شده است. در این تصویر، فلش میانی نشان دهنده میزان ظهور رفتارهای پوششی شخصی (درونی شده) است؛ بنابراین، هرچه دانشجوی از محیط کنترل کننده به سوی محیط آزادگذارنده و هرچه از موقعیت های آشنا به موقعیت های ناآشنا حرکت می کند، بیشتر می توان شاهد بروز رفتارهایی بود که انتخابی و برخاسته از باورهای شخصی او هستند؛ بر این اساس، پرسش این است که در این مکان - موقعیت ها، رفتار پوششی دانشجویان (الگوی پوشش ناهمنوا) چگونه ظهور می کند؟



شکل شماره ۱. تعامل موقعیت - محیط در بروز رفتارهای خودخواسته دانشجویان

پرسش های تحقیق

پرسش هایی که در رابطه با موضوع پوشش، یا به عبارتی الگوی پوشش ناهمنوا در بین دانشجویان مطرح بودند، به شرح زیر هستند:

۱. الگوی پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی در میان دانشجویان دانشگاه های مختلف تا چه حد شایع است؟

- ۱-۱. میزان استفاده از پوشش ناهمنوا در دانشگاه‌های مختلف شهر بافت به چه میزان است؟
- ۱-۲. میزان استفاده از پوشش ناهمنوا توسط دانشجویان در محیط - موقعیت‌های مختلف به چه میزان است؟
۲. چه عواملی در ارتباط با استفاده از الگوی پوشش ناهمنوا توسط دانشجویان در محیط - موقعیت‌های مختلف وجود دارد؟

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پژوهش پیمایشی استفاده شد و داده‌های لازم از طریق پرسشنامه به دست آمد. سپس بر اساس اصول رویکرد کمی، با به کارگیری مقیاس‌های مناسب، اندازه‌گیری متغیرها انجام شد. مجموعه‌ای از متغیرهای اصلی و فرعی در این پژوهش مورد اندازه‌گیری قرار گرفت که شرح آنها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. متغیرهای مورد بررسی پژوهش

متغیر اصلی	متغیر فرعی	نحوه کمی‌سازی
پوشش	همنوا، ناهمنوا	نمره‌گذاری بر اساس ۱۰۰ نمره
موقعیت	موقعیت آشنایی، موقعیت نیمه‌آشنایی، موقعیت ناآشنایی	نام‌گذاری
محیط	دانشگاه، مهمانی، بازار	نام‌گذاری
دانشگاه	دولتی، پیام نور، آزاد اسلامی	نام‌گذاری
سبک زندگی	مذهبی، لذت‌جو، پرسه‌زن، مصرف‌گرا، بدن‌گرا، ورزشی	میزان گرایش
گفتمان (نگرش و رفتارها)	سنتی (باورهای دینی و رفتار بر اساس آنها) و مدرن (باورهای غیردینی و رفتار بر اساس آنها)	نمره‌گذاری بر اساس گزارش رفتار شخصی
برخورداری	سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی	نمره‌گذاری بر اساس گزارش شخص از وضعیت اجتماعی - اقتصادی خود و خانواده
وضعیت خانوادگی	تحصیلات پدر، تحصیلات مادر	رتبه‌بندی
درآمد خانواده		میزان درآمد
رشته تحصیلی		نام‌گذاری
سن دانشجوی		سال
تأهل دانشجوی		نام‌گذاری
محل سکونت	نزد والدین، خوابگاه، خانه دانشجویی	نام‌گذاری
قومیت		نام‌گذاری





جامعه آماری: جمعیت آماری این تحقیق، دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی شهر بافت در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ هستند. شمار دانشجویان این دانشگاه‌ها تا سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ در دسترس بود که برای آن سال، ۷۳۰۰ نفر گزارش شده است.

تعیین حجم نمونه: در این پژوهش با در نظر گرفتن واریانس متغیر وابسته در آزمون مقدماتی، میزان همگنی و دقت جمعیت نمونه تعیین شد. صفت اصلی که در این تحقیق دنبال شد، الگوی پوشش ناهمنا با هنجارهای رسمی است. در این تحقیق برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. همچنین خطای نمونه‌گیری ۵ درصد در نظر گرفته شده است. بر اساس فرمول مذکور، با حداقل ۱۸۰ نفر امکان اجرای تحقیق با دقت احتمالی و سطح اطمینان قابل قبول وجود دارد.

شیوه نمونه‌گیری: در این تحقیق برای تعیین توزیع تعداد دانشجویان در دانشگاه‌های مورد بررسی، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه استفاده شد اما به دلیل دسترسی نداشتن به فهرست اسامی دانشجویان و حتی کلاس‌های درس به دلیل همکاری نکردن مسئولان دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، پرسشنامه در محیط دانشگاه‌ها در بین تعدادی از دانشجویان بدون توجه به رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، سن و جنس توزیع و جمع‌آوری شد؛ به عبارت دیگر، پس از آنکه تعداد نمونه اختصاص یافته به هر دانشگاه مشخص شد، انتخاب دانشجویان برای پاسخگویی به شیوه اتفاقی انجام شده است. برای آنکه نمونه‌گیری مورد استفاده به شیوه تصادفی نزدیک شود، برنامه زمانی حضور پرسشگرها برای تمام ایام هفته و به صورت صبح و عصر تنظیم شد و در هر سه دانشگاه با حضور در محوطه‌های عمومی و طی یک هفته، پرسشنامه‌ها توزیع و جمع‌آوری شد.

ابزار و روش جمع‌آوری اطلاعات: از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. پرسشنامه به صورت «بسته پاسخ» تهیه شده بود و هر پاسخگو به ارائه گزارشی از وضعیت رفتاری خود اقدام می‌کرد. پرسشنامه به گونه‌ای تهیه شده بود که «رفتار فرد» آن‌طور که به‌واقع رخ داده، گزارش شود.^۱ در موقعیت‌هایی که پرسشنامه توزیع شد، با توضیح درباره‌ی طرح و توجیه و تشویق دانشجویان برای مشارکت و همکاری برای پاسخگویی، کار جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت. چنانچه فردی مشکل یا ابهامی داشت، توضیحات لازم توسط پرسشگر داده می‌شد.

۱. مثلاً پرسش شده بود که «پوشش شما در موقعیت‌های مختلف چگونه است؟» و در پاسخ هر پاسخگو تعیین می‌کرد که مثلاً در دانشگاه یا بازار آیا چادر می‌پوشد یا خیر.

جدول شماره ۲. تعریف عملیاتی و سنجش مفاهیم و شاخص‌های متغیر الگوی پوشش

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	معرف
الگوی پوشش	پوشش در دانشگاه	هاهنوا	چادر سنتی، چادر ملی، روسری بزرگ، بدون آرایش چهره، پوشش کامل موی سر، جوراب بلند و کلفت.
	موقع رفتن به خرید		
	موقع رفتن به مهمانی		
	پوشش در دانشگاه	ناهنوا	مانتوهای مد روز، مقنعه، کفش‌های مد روز، آرایش ملایم صورت، روسری‌های شالی / چهارگوش ساده، بیرون ماندن قسمتی از مو، شلوار کوتاه تا ساق پا، مانتو تنگ یا کوتاه یا نیم‌آستین، روسری شالی کم‌عرض / روسری‌های کوچک، صندل یا کفش‌های جلو باز، بدون جوراب، آرایش دائمی صورت به سبک‌های جدید، پوشیدن بوت بلند روی شلوار، کت و دامن یا کت و شلوار بدون مانتو، بلوز و کاپشن بدون مانتو، بیرون ماندن قسمت زیادی از مو.
	موقع رفتن به خرید		
	موقع رفتن به مهمانی		
سطح سنجش		شماره پرسش در پرسشنامه	
تعداد پرسش		۲۶	



تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. مشخصات پاسخگویان

از ۱۸۰ دانشجوی پاسخگو، ۳۸/۹ درصد (۷۰ نفر) در دانشگاه دولتی، ۳۸/۳ درصد (۶۹ نفر) در دانشگاه پیام نور و ۲۲/۸ درصد (۴۱ نفر) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت مشغول به تحصیل بوده‌اند. از بین دانشجویان پاسخگو، ۱/۱ درصد در دوره کاردانی، ۹۷/۸ درصد در دوره کارشناسی و ۱/۱ درصد در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده‌اند. حداقل سن دانشجویان پاسخگو ۱۸ و حداکثر آن ۴۵ سال بوده است و سن اغلب آنان (۹۶/۵ درصد) بین ۱۸ تا ۲۵ سال گزارش شده است. در بین دانشجویان پاسخگو، ۸۱ درصد مجرد و ۱۹ درصد متأهل بوده‌اند. در ادامه این قسمت، نتایج به دست آمده ارائه می‌شود.

۲. الگوی پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی در میان دانشجویان تا چه اندازه شایع است؟

به‌طور کلی از ۱۷۹ دانشجوی پاسخگو، ۱۷۲ نفر (۹۵/۶ درصد) کمترین میزان پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی (۰-۲۵) را در دانشگاه داشته‌اند (جدول شماره ۳)، اما پوشش ناهمنوا

در موقع خرید و در مهمانی افزایش یافته است. از ۱۷۹ دانشجوی پاسخگو، ۱۵۶ نفر (۸۷/۲ درصد) کمترین میزان پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی (۰-۲۵) در هنگام خرید و تفریح و از این تعداد، ۹۹ نفر (۵۵/۳ درصد) در مهمانی کمترین میزان پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی (۰-۲۵) را داشته‌اند. در مهمانی‌ها ۳۵ نفر (۱۹/۶ درصد) تا اندازه‌ای (۲۶-۵۰) دارای پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی بوده‌اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. میزان شایع بودن الگوی پوشش ناهمنوا

پوشش ناهمنوا در مهمانی		پوشش ناهمنوا در موقع رفتن به خرید و تفریح		پوشش ناهمنوا در دانشگاه		میزان ناهمنوایی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۵/۰	۹۹	۸۶/۷	۱۵۶	۹۵/۶	۱۷۲	۰-۲۵
۱۹/۴	۳۵	۹/۴	۱۷	۳/۳	۶	۲۶-۵۰
۱۲/۲	۲۲	۱/۷	۳	۰/۶	۱	۵۱-۷۵
۱۲/۸	۲۳	۱/۷	۳	۰	۰	۷۶-۱۰۰
۹۹/۴	۱۷۹	۹۹/۴	۱۷۹	۹۹/۴	۱۷۹	جمع
۰/۶	۱	۰/۶	۱	۰/۶	۱	بی‌پاسخ
۱۰۰/۰	۱۸۰	۱۰۰/۰	۱۸۰	۱۰۰/۰	۱۸۰	کل

گرچه به هنگام حضور در دانشگاه، وضعیت پوشش دانشجویان دانشگاه‌های مختلف دارای تفاوت اساسی نبوده، اما وضعیت پوشش ناهمنوای دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی در دو موقعیت بازار و مهمانی متفاوت گزارش شده است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴. فراوانی الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه‌های مختلف

کل		آزاد		پیام نور		دولتی		میزان ناهمنوایی
مهمانی	بازار	مهمانی	بازار	مهمانی	بازار	مهمانی	بازار	
۹۹	۱۵۶	۱۰	۳۱	۴۲	۵۸	۴۷	۶۷	۰-۲۵
۳۵	۱۷	۱۱	۵	۱۰	۹	۱۴	۳	۲۶-۵۰
۲۲	۳	۸	۲	۸	۱	۶	۰	۵۱-۷۵
۲۳	۳	۱۲	۳	۸	۰	۳	۰	۷۶-۱۰۰
۱۷۹	۱۷۹	۴۱	۴۱	۶۸	۶۸	۷۰	۷۰	کل



۳. بررسی عوامل گرایش دانشجویان به استفاده از الگوی پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی

۳-۱. نوع دانشگاه، رشته تحصیلی، محل سکونت، شغل پدر و مادر، اهلیت، وضعیت تأهل و قومیت: با

توجه به ضرایب χ^2 دو به دست آمده، بین نوع دانشگاه و الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام خرید و تفریح و در دانشگاه رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ به عبارتی، پوشش ناهمنوا هنگام خرید، تفریح و مهمانی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بیش از دانشگاه پیام نور و در دانشگاه پیام نور بیش از دانشجویان دانشگاه دولتی شهرستان بافت مشاهده می شود. همچنین بین الگوی پوشش ناهمنوا و رشته تحصیلی، محل سکونت، منطقه سکونت، شغل پدر و مادر، اهلیت، وضعیت تأهل و قومیت رابطه معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵. ضرایب همبستگی χ^2 الگوی پوشش ناهمنوا^۱

متغیرها	پوشش ناهمنوا در دانشگاه			پوشش ناهمنوا در خرید و تفریح			پوشش ناهمنوا در مهمانی		
	df	معناداری	χ^2	df	معناداری	χ^2	df	معناداری	χ^2
نوع دانشگاه	۴	۰/۰۳	۱۱/۲	۶	۰/۰۱	۱۸/۳۶**	۶	۰/۰۰۰	۲۶/۵۱**
رشته تحصیلی	۲۶	۰/۷۳	۲۱/۲	۳۹	۰/۶۵	۳۵/۱۸	۳۹	۰/۱۶	۴۷/۶۹
محل سکونت	۸	۰/۳۲	۹/۳	۱۲	۰/۰۲	۲۳/۶۶	۱۲	۰/۶۶	۹/۴۹
منطقه سکونت	۴	۰/۷۰	۲/۲	۶	۰/۰۸	۱۱/۳۹	۶	۰/۷۸	۳/۲۲
شغل پدر	۱۰	۰/۴۲	۱۰/۲	۱۵	۰/۰۲	۲۷/۹۲	۱۵	۰/۲۳	۱۸/۷۶
شغل مادر	۸	۰/۱۸	۱۱/۴	۱۲	۰/۱۷	۱۶/۵۸	۱۲	۰/۴۱	۱۲/۵۰
اهل محل بودن	۲	۰/۷۰	۰/۷۲	۶	۰/۱۱	۱۰/۳۴	۶	۰/۷۲	۳/۷۰
وضعیت تأهل	۲	۰/۶۰	۱/۰۳	۳	۰/۲۴	۴/۲۶	۳	۰/۲۸	۳/۸۴
قومیت	۸	۱/۰۰	۰/۴۱	۱۲	۰/۹۷	۴/۵۵	۱۲	۰/۲۹	۱۴/۴۴

۱. در تمامی جداول، * به معنای معنی داری در سطح خطای ۰/۰۵ و ** به معنای معنی داری در سطح خطای ۰/۰۱ است.



۲-۳. بررسی رابطه بین الگوی پوشش ناهمنوای دانشجویان با درآمد ماهیانه خانواده، درآمد ماهیانه فرد و سن: با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون، بین درآمد ماهیانه خانواده و پوشش ناهمنوا در دانشگاه رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که دانشجویانی که وضعیت اقتصادی - خانوادگی آنها بهتر است در دانشگاه پوشش ناهمنواتری دارند. همچنین رابطه معناداری بین درآمد ماهیانه فرد و سن با الگوی پوشش ناهمنوا وجود ندارد (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶. روابط عوامل درآمدی و سن با الگوی پوشش ناهمنوا

متغیرها	پوشش ناهمنوا در دانشگاه			پوشش ناهمنوا در خرید و تفریح			پوشش ناهمنوا در مهمانی		
	ضریب	معناداری	تعداد	ضریب	معناداری	تعداد	ضریب	معناداری	تعداد
درآمد ماهیانه فرد	۰/۵۵۰	۰/۲۲۱	۳۵۱	۰/۲۰۱	۰/۱۰۲	۳۵۱	۰/۲۱۰	۰/۳۷۷	۱۵۳
درآمد ماهیانه خانواده	۰/۰۵۳۱*	۰/۲۰۰	۷۵۱	۰/۰۳۱	۰/۷۸۰	۷۵۱	۰/۳۰۱	۰/۵۹۱	۷۵۱
سن	۰/۵۵۰	۰/۷۳۱	۳۳۱	۰/۱۰۰	۰/۱۳۶	۳۳۱	۰/۸۰۰	۰/۳۳۹	۳۳۱

۳-۳. بررسی رابطه بین الگوی پوشش ناهمنوای دانشجویان با دوره تحصیلی پاسخگویان، تحصیلات پدر و مادر: با توجه ضرایب همبستگی اسپیرمن، می توان گفت بین دوره تحصیلی دانشجویان با الگوی پوشش ناهمنوا در مهمانی و بین تحصیلات پدر و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه، رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دانشجویان مقاطع تحصیلی بالاتر و یا دارای پدران تحصیلکرده کمتر دارای پوشش ناهمنوا هستند. همچنین بین تحصیلات مادر و الگوی پوشش ناهمنوا رابطه معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۷).



جدول شماره ۷. ضرایب همبستگی اسپیرمن الگوی پوشش ناهمنوا

متغیرها	پوشش ناهمنوا در دانشگاه			پوشش ناهمنوا در بازار			پوشش ناهمنوا در مهمانی		
	ضریب	معناداری	تعداد	ضریب	معناداری	تعداد	ضریب	معناداری	تعداد
دوره تحصیلی	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۱۷۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۱۷۸	۰/۰۲*	۰/۱۰	۱۷۸
تحصیلات پدر	۰/۰۳*	۰/۰۲	۱۵۱	۰/۰۰۰	۰/۶۰	۱۵۱	۰/۰۰	۰/۶۲	۱۵۱
تحصیلات مادر	۰/۰۱	۰/۴۴	۱۵۱	۰/۰۰۰	۰/۳۰	۱۵۱	۰/۰۰	۰/۴۰	۱۵۱



کارکرد الگوی پوشش ناهمنوا با هنجارهای رسمی در بین دانشجویان چگونه تلقی می‌شود؟ سبک

زندگی یا مقاومت؟

۴. رابطه سبک زندگی با گرایش دانشجویان به الگوی پوشش ناهمنوا: با توجه به ضرایب

همبستگی پیرسون حاصله، بین سبک مذهبی و پوشش ناهمنوا در خرید، رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. این بدان معناست که پاسخگویان با سبک زندگی مذهبی، کمتر دارای پوشش ناهمنوا هستند. بین سبک لذت‌جو (خوش‌گذران) و پوشش ناهمنوا در دانشگاه و خرید، رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارتی پاسخگویان با سبک زندگی لذت‌جو که برای گذران اوقات فراغت اهمیت قائل هستند بیشتر از پوشش ناهمنوا استفاده می‌کنند. بین سبک زندگی پرسه‌زدن رسانه‌ای و پوشش ناهمنوا در دانشگاه، خرید و تفریح و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بنابراین پاسخگویانی که از وسایل ارتباطی مدرن همچون ماهواره، کامپیوتر و... استفاده می‌کنند بیشتر دارای پوشش ناهمنوا هستند. بین سبک زندگی مصرف‌گرا و پوشش ناهمنوا در هنگام خرید و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که پاسخگویانی که به کیفیت و آراستگی لباس و ظاهر اهمیت می‌دهند پوشش ناهمنوای بیشتری دارند. بین سبک بدن‌گرا و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه، خرید و مهمانی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ لذا افرادی که به انواع جراحی‌ها و اعمال زیبایی توجه دارند بیشتر از پوشش ناهمنوا استفاده می‌کنند. بین سبک زندگی ورزشی و الگوی پوشش ناهمنوا در خرید و مهمانی رابطه مثبت

معناداری وجود دارد. به عبارتی افرادی که به انواع ورزش‌ها به منظور کاهش وزن اهمیت می‌دهند پوشش ناهمنوای بیشتری دارند. در نهایت اینکه بین سبک زندگی و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه، هنگام خرید، تفریح و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ بنابراین سبک زندگی افراد بر نوع پوشش آنها در محیط‌های مختلف اثر مثبت دارد (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸. رابطه سبک زندگی با گرایش به الگوی پوشش ناهمنوا

انواع سبک‌های زندگی	همبستگی پیرسون	ناهمنوا در دانشگاه	ناهمنوا در خرید	ناهمنوا در مهمانی
سبک مذهبی	ضریب	-۰/۱۲۲	-۰/۱۵۲*	۰/۰۹۶
	معناداری	۰/۱۰۵	۰/۰۴۲	۰/۱۹۹
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
سبک لذت‌جو	ضریب	۰/۱۸۰*	۰/۲۴۳**	-۰/۰۹۶
	معناداری	۰/۰۱۶	۰/۰۰۱	۰/۱۹۹
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
سبک فرهنگی	ضریب	۰/۰۶۱	۰/۰۵۷	۰/۰۱۰
	معناداری	۰/۴۱۸	۰/۴۵۰	۰/۸۹۹
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
سبک پرسه‌زدن رسانه‌ای	ضریب	۰/۱۸۸**	۰/۲۶۵**	۰/۲۹۱**
	معناداری	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
سبک مصرف‌گرا	ضریب	۰/۰۹۶	۰/۲۴۴**	۰/۳۴۵**
	معناداری	۰/۲۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
سبک بدن‌گرا	ضریب	۰/۲۵۳**	۰/۲۲۷**	۰/۱۸۶*
	معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۱۳
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
سبک ورزشی	ضریب	۰/۱۴۵	۰/۲۲۸**	۰/۲۰۹**
	معناداری	۰/۰۵۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
سبک زندگی	ضریب	۰/۱۵۲*	۰/۲۳۸**	۰/۲۷۲**
	معناداری	۰/۰۴۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹





۵ بررسی رابطه بین الگوی پوشش ناهمنوا با میزان برخورداری از سرمایه اقتصادی

با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون، بین الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه و سرمایه اقتصادی رابطه معناداری وجود ندارد. این در حالی است که بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام خرید و تفریح و سرمایه اقتصادی با ضریب همبستگی $0/204$ و سطح معناداری $0/006$ و بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام مهمانی و سرمایه اقتصادی با ضریب همبستگی $0/159$ و سطح معناداری $0/033$ رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین، ضریب همبستگی پیرسون ($0/196$) و سطح معناداری ($0/009$)، نشان می‌دهد بین الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه و سرمایه فرهنگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این در حالی است که بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام خرید و تفریح و سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود ندارد؛ همچنین بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام مهمانی و سرمایه فرهنگی با ضریب همبستگی $0/170$ و سطح معناداری $0/024$ رابطه مثبت معناداری برقرار است (جدول شماره ۹).

جدول شماره ۹. بررسی رابطه الگوی پوشش ناهمنوا
با میزان برخورداری از سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی

ناهمنوا در مهمانی	ناهمنوا در خرید	ناهمنوا در دانشگاه	ضریب همبستگی	
$0/159^*$	$0/204^{**}$	$0/087$	ضریب	سرمایه اقتصادی
$0/033$	$0/006$	$0/248$	معناداری	
۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹	تعداد	
$0/170^*$	$0/128$	$0/196^{**}$	ضریب	سرمایه فرهنگی
$0/024$	$0/090$	$0/009$	معناداری	
۱۷۷	۱۷۷	۱۷۷	تعداد	

۶. بررسی رابطه بین الگوی پوشش ناهمنوا با نگرش‌ها و رفتارهای دینی در زیست‌جهان

با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون حاصله، بین گفتمان سنتی و پوشش ناهمنوا در دانشگاه، خرید و تفریح، و مهمانی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. این بدان معناست که پاسخگویان دارای گفتمان سنتی، کمتر دارای پوشش ناهمنوا هستند. همچنین بین گفتمان مدرن و پوشش ناهمنوا در خرید و تفریح و مهمانی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارتی پاسخگویان دارای نگرش‌ها و رفتارهای مدرن، بیشتر به سمت الگوی پوشش ناهمنوا تمایل دارند.

به طور کلی بین نگرش و رفتارهای دینی در زیست جهان و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه رابطه منفی معنادار و بین نگرش و رفتارهای دینی در زیست جهان و الگوی پوشش ناهمنوا در خرید و تفریح، و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰. بررسی رابطه الگوی پوشش ناهمنوا با نگرش‌ها و رفتارهای دینی در زیست جهان

نگرش و رفتارهای دینی در زیست جهان	همبستگی پیرسون	ناهمنوا در دانشگاه	ناهمنوا در خرید	ناهمنوا در مهمانی
گفتمان سنتی	ضریب	-۰/۱۸۸*	-۰/۲۹۵**	-۰/۲۸۲**
	معناداری	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۷۸	۱۷۸	۱۷۸
گفتمان مدرن	ضریب	-۰/۰۵۹	۰/۱۴۹*	۰/۲۲۲**
	معناداری	۰/۴۳۹	۰/۰۴۷	۰/۰۰۳
	تعداد	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹
نگرش و رفتارهای دینی در زیست جهان	ضریب	-۰/۲۱۴**	۰/۱۹۰*	۰/۰۲۸
	معناداری	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۰/۷۱۳
	تعداد	۱۷۸	۱۷۸	۱۷۸



نتیجه گیری و بحث

۱. با توجه به ضرایب همبستگی به دست آمده، بین نوع دانشگاه و الگوی پوشش ناهمنوا «در بازار» و «در دانشگاه» رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، پوشش ناهمنوا هنگام خرید، تفریح و مهمانی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بیش از دانشگاه پیام نور و در دانشگاه پیام نور بیش از دانشجویان دولتی شهر بافت مشاهده می‌شود. همچنین، بین الگوی پوشش ناهمنوا و رشته تحصیلی، محل سکونت، منطقه سکونت، شغل پدر و مادر، اهلیت، وضعیت تأهل و قومیت رابطه معناداری وجود ندارد.

۲. بین درآمد ماهیانه خانواده و پوشش ناهمنوا در دانشگاه رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان معنا است که دانشجویانی که وضعیت اقتصادی - خانوادگی آنها بهتر است، در دانشگاه پوشش ناهمنواتری دارند، اما بین درآمد ماهیانه فرد و سن او با الگوی پوشش ناهمنوا، رابطه معناداری وجود ندارد.

۳. بین دوره تحصیلی دانشجویان با الگوی پوشش ناهمنوا در مهمانی و بین تحصیلات پدر



و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ به عبارتی دانشجویان دوره‌های تحصیلی بالاتر و یا دارای پدران دارای تحصیلات بالاتر، کمتر دارای پوشش ناهمنوا هستند اما بین تحصیلات مادر و الگوی پوشش ناهمنوا رابطه معناداری وجود ندارد.

۴. بین سبک مذهبی و پوشش ناهمنوا در خرید رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. این بدان معناست که پاسخگویان با سبک زندگی مذهبی، کمتر دارای پوشش ناهمنوا هستند. بین سبک لذت‌جو (خوشگذران) و پوشش ناهمنوا در دانشگاه و بازار رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارتی پاسخگویان با سبک زندگی لذت‌جو که برای گذران اوقات فراغت اهمیت قائل هستند، در هر دو مکان بیشتر از پوشش ناهمنوا استفاده می‌کنند. بین سبک زندگی پرسه زدن رسانه‌ای و پوشش ناهمنوا در دانشگاه، بازار و مهمانی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ بنابراین، پاسخگویانی که از وسایل ارتباطی مدرن همچون ماهواره، کامپیوتر و غیره استفاده می‌کنند، بیشتر دارای پوشش ناهمنوا هستند. بین سبک زندگی مصرف‌گرا و پوشش همنا در هنگام خرید (بازار) و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که پاسخگویانی که به کیفیت و آراستگی لباس و ظاهر اهمیت می‌دهند پوشش ناهمنوای بیشتری دارند. بین سبک بدن‌گرا و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه، بازار و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. لذا افرادی که به انواع جراحی‌ها و اعمال زیبایی توجه دارند بیشتر از پوشش ناهمنوا استفاده می‌کنند. بین سبک زندگی ورزشی و الگوی پوشش ناهمنوا در بازار و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارتی افرادی که به انواع ورزش‌ها به منظور کاهش وزن اهمیت می‌دهند پوشش ناهمنوای بیشتری دارند. در نهایت اینکه بین سبک زندگی و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه، بازار و مهمانی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ بنابراین، سبک زندگی افراد بر نوع پوشش آنها در محیط‌های مختلف اثر مثبت دارد.

۵. بین الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه و سرمایه اقتصادی رابطه معناداری وجود ندارد. این در حالی است که بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام خرید و تفریح و سرمایه اقتصادی با ضرایب همبستگی $0/204$ و سطح معناداری $0/006$ رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ همچنین بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام مهمانی و سرمایه اقتصادی با ضریب همبستگی $0/159$ و سطح معناداری $0/033$ رابطه مثبت معناداری دارد. این بدان معناست که هرچه وضعیت اقتصادی دانشجویان بهتر باشد ناهمنوایی در پوشش آنها در بازار و در مهمانی بیشتر است.

۶. بین الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه و سرمایه فرهنگی رابطه مثبت معناداری وجود

دارد. این در حالی است که بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام خرید و تفریح و سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود ندارد؛ همچنین بین الگوی پوشش ناهمنوا در هنگام مهمانی و سرمایه فرهنگی با ضریب همبستگی $0/17$ و سطح معناداری $0/024$ رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که موقعیت فرهنگی دانشجویان، ناهمنوایی در پوشش آنها در دانشگاه و مهمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۷. بین گفتمان سنتی (نگرش و رفتارهای دینی) و پوشش ناهمنوا در دانشگاه، بازار و مهمانی رابطه منفی معناداری وجود دارد. این بدان معناست که پاسخگویان با گفتمان سنتی کمتر دارای پوشش ناهمنوا هستند. همچنین بین گفتمان مدرن (نگرش و رفتارهای غیردینی) و پوشش ناهمنوا در بازار و مهمانی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ به عبارتی پاسخگویان با نگرش‌ها و رفتارهای مدرن بیشتر به سمت الگوی پوشش ناهمنوا تمایل دارند؛ به‌طورکلی بین نگرش و رفتارهای دینی در زیست‌جهان و الگوی پوشش ناهمنوا در دانشگاه رابطه منفی معنی‌دار و بین نگرش و رفتارهای دینی در زیست‌جهان و الگوی پوشش ناهمنوا در بازار و مهمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که برای استفاده از پوشش ناهمنوا در موقعیت‌ها - محیط‌های ناآشنا و غیرکنترلی، نگرش‌های مذهبی منعی ایجاد نمی‌کنند. در مجموع، می‌توان گفت محیط - موقعیت عامل اساسی بروز رفتار پوششی دانشجویان است. این موضوع دارای چنان آثاری است که حتی فراتر از دانشگاه محل تحصیل و باورهای دینی اشخاص عمل می‌کند. اهمیت محیط به میزان کنترلی است که اعمال می‌کند (یا میزان آزادی عملی که فراهم می‌آورد)؛ در طرف دیگر، اهمیت موقعیت به احساسی است که فرد در شرایط مختلف دارد؛ یعنی اینکه آگاهی محیط را مؤثر بر وضعیت خود می‌داند یا خیر. در جایی که آشنایی وجود دارد، احتمال ایفای نقش محیط افزایش می‌یابد و به همین دلیل همنوایی پوششی حداقل به صورت ظاهری افزایش می‌یابد. در مقابل، جایی که آشنایی وجود ندارد، احتمال آسیب‌پذیری به حداقل می‌رسد. این احتمال آسیب که با ادراک کنترل بیرونی تناظر دارد، عمده‌ترین عامل رفتار پوششی همنوایان قلمداد می‌شود. گرچه این گونه از شرایط به‌طورکلی در دستورکار نهادهای ذی‌ربط پوشش اجتماعی قرار دارند و آنها به وفور از شیوه «کنترلی - تشویقی» استفاده می‌کنند، اما این شیوه با مسئله مهم «بیرونی بودن عامل رفتار» مواجه است و از کیفیت رفتارهای دارای عامل درونی بی‌بهره است؛ به‌عبارت دیگر، در اینجا نوعی از «سازش و تسلیم» دیده می‌شود که این وضعیت با احساس نامطلوب تحمیل آمیخته می‌شود و مقاومت





رفتاری در فرد شکل می‌گیرد. به همین دلیل در چنین شرایطی نمی‌توان شاهد «تأثیر ظاهر بر باطن» بود که یکی از روش‌های تربیت اسلامی است (باقری، ۱۳۸۹).

بر این اساس، با عنایت به چهارچوب نظری این پژوهش (نمودار شماره ۱) می‌توان گفت واقعیت عمل دانشجویان در محیط کوچک شهر بافت حکایت از آن دارد که رفتارهای پوششی دانشجویان متأثر از میزان «آزادی - آشنایی» آنان است و به تناسب میزان «کنترل تهدید» ناشی از محیط و احتمالاً میزان و نوع انتظار از محیط (مثل انتظار یافتن کار در محیط‌های دولتی یا عمومی) تغییر می‌کند. این گروه از دانشجویان که در محیط اجتماعی حامی جدی رفتارهای پوششی همنوا، اقدام به رفتار پوششی ناهمنوا کرده‌اند و حتی گاه به تحمل آشکار پیامدهای منفی رفتار پوششی ناهمنوا تن داده‌اند، احتمالاً اگر در محیط‌هایی واقع شوند که پوشش ناهمنوا تأیید شود و یا دست کم به وضوح و به طور گسترده با پیامدهای منفی مواجه نشود، به صورت گسترده‌ای از پوشش ناهمنوا استفاده خواهند کرد. این اتفاق گرچه در قالب رفتار «دوگانه» فرهنگ ایرانی قابل فهم است (دیگار و همکاران، ۱۳۷۸)، اما از حیث تلاش‌های گسترده‌ای که برای تبلیغ پوشش همنوا در مدارس و دانشگاه‌ها به عمل می‌آید، دستاورد چندان مقبول آن تلاش‌ها را نشان نمی‌دهد و نیازمند تأمل جدی است. آیا با ظهور این واقعیت‌ها در رفتار کسانی که مدت مدیدی در معرض آموزش‌های رسمی رعایت رفتار پوششی همنوا قرار داشته‌اند، زمان آن نرسیده که در رویکرد آموزش و درخواست رفتار پوششی تجدید نظر شود؟

پیشنهادها

در شرح علل رفتار پوششی ناهمنوای دانشجویان، به علل و دلایل متعددی می‌توان اشاره کرد اما مواجهه اصولی با این واقعیت اجتماعی نیز نیازمند برنامه‌ریزی صحیح و همه‌جانبه و اعمال سیاست‌های مختلف، متناسب با شرایط و امکانات و محدودیت‌های محیطی و مخاطب است. عمده‌ترین موضوعی که می‌توان در اینجا بر آن تأکید کرد «برنامه‌های نظارتی و آموزشی غیرمستقیم» و «رفتارهای مبتنی بر موازین دست‌اندرکاران» است. این‌گونه برنامه‌ها را می‌توان در قالب «برنامه‌های پنهان فرهنگی» مطرح و از طریق آموزش پنهان و الگو بودن در عمل، به ایجاد جو فرهنگی و سازمانی حامی پوشش همنوا و معیار کمک کرد. در چنین فضایی هم عمل‌کننده احساس فشار بیرونی نمی‌کند و هم یادگیری ماندگار و درونی شده محقق می‌شود.

منابع

- اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۷): **حجاب (هست‌ها و باید‌های فرهنگ حجاب و عفاف)**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- استاد ملک، فاطمه (۱۳۶۷): **حجاب و کشف حجاب در ایران**، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ج ۲.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸): **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد اول)**، تهران: مدرسه، چاپ ۱۷.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴): **اسلام؛ جهانی شدن و پست‌مدرنیته**، ویراستاران: اکبر احمد و هاستینگز دونان، مترجم: مرتضی بحرانی، تهران: کتابخانه، موزه و مراکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جودی، اکرم (۱۳۸۸) «وضع پوشش زنان در ایران باستان»؛ در محمدجواد جاوید: **تأملی بر مفهوم حجاب در ادیان الهی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۶۸): **فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی**، تهران: سروش.
- دیگار، ژان پیر و همکاران (۱۳۷۸): **ایران در قرن بیستم**، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳): **دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی)**، تهران: کویر.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۶): «بررسی نگرش دانشجویان دختر نسبت به حجاب»؛ **هم‌اندیشی حجاب؛ مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی** www.women.gov/pages/content
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۷): **حجاب (بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی دوم تا پایان جنگ تحمیلی)**، قم: پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۹): **حجاب (درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام)**، قم: دارالثقلین.
- سوزنچی، حسین (۱۳۸۸): «فلسفه حجاب در اسلام»؛ در محمدجواد جاوید و محمد مهدی شجاعی: **گفتارهایی در باب حجاب**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۷): **حجاب (ریشه‌یابی جامعه‌شناختی بی‌حجابی)**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شمس، ابراهیم (۱۳۸۶): «ارزیابی عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط در ارتباط با گسترش حجاب»؛ **هم‌اندیشی حجاب؛ مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی** www.women.gov/pages/content
- فلاح، فاطمه (۱۳۸۸): «نسبت میان تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران پس از جنگ با پوشش جوانان»؛ در محمدجواد جاوید و محمد مهدی شجاعی: **گفتارهایی در باب حجاب**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- علی‌اکبریان، حسن علی (۱۳۸۷): **حجاب (مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی)**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- مالمیر، مهدی (۱۳۸۷): **حجاب (جامعه‌شناسی حجاب)**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- مرکز مدارک فرهنگ اسلامی (تهیه و جمع‌آوری)، **صحیفه نور** (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱۴، ۱۳۶۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵): **مسئله حجاب**، تهران، صدرا، ج ۴۳.

